

نکاتی پیرامون قالی بافی در سغد

محمد میرشکرای
مرکز مردم‌شناسی

لوفایی را برای مردان دریافت. او می‌گفت: «مردی که لوفایی کند معرفت ندارد، یعنی کارگر نیست؛ کارهای زنانه‌گری می‌کند.» با وجود این گهگاه در زمان فراغت بعضی از مردان به‌زنانشان کمک می‌کنند. یکی از پیرمردان ده می‌گفت: «وقتی جوان بودم گاهی به‌زنم که جاجیم می‌بافت کمک می‌کردم. برای همین مردم به‌من می‌خندیدند.» آماده کردن دستگاه لوفایی و کشیدن نخها بر روی چارچوب که نیروی بدنی زیادتری لازم دارد، معمولاً کار مردان است که با همکاری زنان انجام می‌دهند.

تا چند سال پیش قالی‌بافی در تأمین معاش مردم‌جایی نداشت، اگر هم چیزی برای فروش بافته می‌شد بیشتر جاجیم، گلیم، خورجین و جز آن بود، نه قالی. معمولاً در خانواده‌ها به‌نام هر یک از فرزندان یک قالی می‌بافتند. همچنین قالی جزوی از جهاز دختران بود. کم پیش می‌آمد که قالی را بفروشند، یا برای فروش ببافند. شاید به‌سبب آنکه بافتن گلیم و جاجیم و وسایل دیگر برایشان آسانتر بوده و زودتر تمام می‌شده است. و می‌توانسته‌اند ضمن کوچ و توأم با فعالیت‌های دامداری به‌این کار هم برسند. علاوه بر آن

«سغد - Sagdar» درختی است کوهی که در یکی از دره‌های جنوبی کوه‌های «جبالبارز» می‌روید. از حدود بیست و پنج سال پیش به‌تدریج خانوارهایی از چادرنشینان جبالبارز در کنار کشتزارهای مختصرشان در این دره ساکن شدند، و به‌جای پلاسه‌های سیاهشان^۱ خانه‌های گیلی^۲ ساختند. دهکده‌ای که از مجموع این خانه‌های پراکنده به‌وجود آمد، به‌نام آن درخت خودرو «سغد» نام گرفت.

دهکده «سغد» در حدود بیست و هشت کیلومتری شمال شرقی شهر «سبزواران» (مرکز شهرستان جبرفت) واقع شده و از توابع بخش جبالبارز در این شهرستان است. قسمتی از گردنه پریبیخ و خم راه کرمان - سبزواران از کنار این دره می‌گذرد. «سغد» هفتصد و پنجاه نفر جمعیت دارد که در صدویست و پنج خانوار زندگی می‌کنند^۳. کشاورزی و دامداری عمده‌ترین شئون معیشت ده است. از دو سال پیش که ساختمان راه کرمان - سبزواران شروع شده، بسیاری از کشاورزان ده به‌مشاغل کارگری جذب شده‌اند. بافتن قالی و بافته‌های پشمی دیگر، همچون گلیم، به‌سبب وجود پشم حاصل از گوسفندان و به‌علت نیاز زندگی چادر نشینی (که در گذشته داشته‌اند) همیشه در سغد معمول بوده است. بافتن این دست‌بافته‌ها از مشغولیت‌های زنان است.

زنان علاوه بر قالی و گلیم که برای کف‌پوش‌خانه‌ها بکار می‌رود، جاجیم، پلاس و وسایل مورد نیاز دیگر مانند: خورجین، توبره، قاشق‌دان، سفره خمیر و همچنین وسایل زینتی برای جهاز عروس مانند شانه‌دان، آینه‌دان و غیره می‌بافتند. انواع این بافندگی‌ها را «لوفایی - Lavâfi»^۴ می‌نامند. آنها لوفایی را از روزگاری که چادرنشین بوده‌اند به‌یادگار نگاه داشته‌اند.

مردها لوفایی نمی‌کنند و این کار را دون‌شان خود میدانند؛ شاید به‌سبب زندگی کوچ‌نشینی که در گذشته داشته‌اند. یا به‌سبب فعالیت‌های توأم با دامپروری و کشاورزی که امروزه دارند^۵. از حرف‌های کنخدای ده خوب می‌شود درجه حرمت

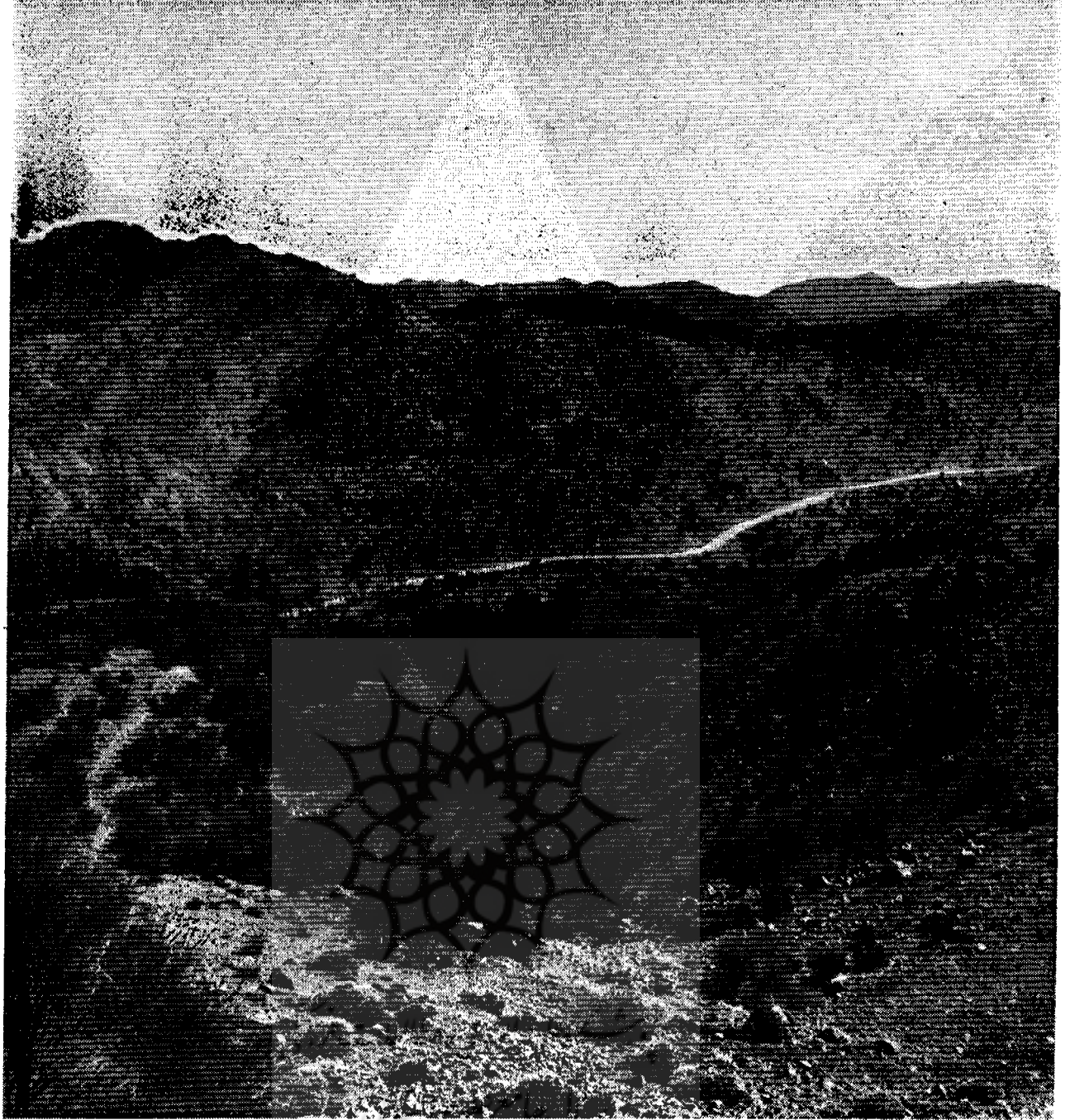
۱- چادرهای ایلی را «پلاس» می‌نامند، که سیاه‌رنگ است و از موی بز بافته می‌شود.

۲- این خانه‌های گیلی را «کُتُمبِه - Kotombe» می‌نامند. کتُمبِه‌ها از لحاظ شکل ظاهر و استخوان‌بندی بنا شباهت بسیار به‌چادر دارد.

۳- این تحقیق در تیرماه ۲۵۳۵ انجام شده است و آمار جمعیت آن از گفته‌کنخدا و مسئولان انجمن ده نقل شده است.

۴- اصطلاح «لوفایی» در میان همه چادرنشینان کرمان و بسیاری از روستاییان همسایه آنها معمول است. بطور کلی دستگاه‌های زمینی (افقی) قالی‌بافی را در کرمان دستگاه «لوفایی» می‌نامند، و دستگاه‌های ایستاده و عمودی قالی‌بافی را «دستگاه قالی‌بافی».

۵- در بعضی روستاهای نزدیک و دورور کرمان و شهداد، که قالی‌بافی عمده‌ترین راه امرار معاش مردم است، مردان و زنان با هم قالی می‌بافتند و اغلب استادکاران قالی‌بافی، از مردان می‌باشند.



نمایی از دره‌ها و کوه‌های جنگلی دامنه «جبالبارز» که دهکده «سغدر» در آنجا قرار گرفته است

دستگاه قالی‌بافی، در سال به کار نیست. یکی از سبب‌هایش را کمبود کارگر می‌گفتند. زیرا زنان علاوه بر قالی‌بافی و کارهای داخلی خانه و بچه‌داری، در قسمتهایی از کارهای کشاورزی و دامداری نیز با مردان همکاری می‌کنند. بنابراین وقت کمی برای قالی‌بافی دارند. وضع مسکن هم تا امروز سببی دیگر برای محدودیت قالی‌بافی بوده است. مسکن‌های سنتی‌ده بیشتر کوچک، بدون پنجره و کم‌نور است. جلوی هر خانه

دست‌بافت‌های پشمی عشایر در شهرها به نسبت قالی، بازار فروش بهتری داشت. اما از پنج‌شش سال پیش بیشتر به قالی‌بافی توجه پیدا کرده‌اند. زیرا طی این سالها قالی بازار فروش خوبی پیدا کرده است و می‌تواند منبع درآمد قابل توجهی برای خانواده‌ها باشد.

با اینهمه هنوز قالی‌بافی نتوانسته است جای عمده‌ای در تأمین معاش مردم سغدر پیدا کند. زیرا در تمام ده بیش از پنج



تابستانها دستگاه قالی بافی را زیر «کوار» یا در زیر درختان دایر می کنند

ارتباط یافتن با شهر و خارج شدن از محیط بسته روستا، رفتار محترمانه تر خانواده ها و اهالی ده با دخترانی که درس خوانده اند و به شهر رفته و رنگ و رفتار شهری پذیرفته اند و به مشاغل دولتی اشتغال دارند، و نیز پایین بودن میزان دستمزد قالی بافان، از جمله عللی است که موجب گرایش دختران به مدرسه رفتن و بی میلی آنان نسبت به قالی بافی شده است. با اینهمه خانواده های کم بضاعت دخترانشان را بیشتر به قالی بافی می فرستند و یا سعی می کنند ضمن درس خواندن در اوقاتی از روز که در مدرسه کار ندارند و در روزهای تعطیل و در تابستان قالی هم بیافند.

دختران معمولاً از هشت نه سالگی قالی بافی می کنند و تا یکی دو سال مزد به آنها نمی دهند، و به اصطلاح محل «نان و چادری» کار می کنند. یعنی صاحب دستگاه قالی بافی خوراکیشان را می دهد و پس از بافته شدن قالی چادر و پیراهنی هم برایشان

آلاچیق مانندی از چوب و سرشاخه های درختان بر پا کرده اند که «کیوار - Kevâr» نام دارد. دستگاههای قالی بافی که همه زمینی (افقی) است معمولاً در داخل این کوارها برقرار می شود؛ و طبعاً کارگران در فصل زمستان کمتر می توانند در داخل آن کار کنند. البته طی چهار پنج سال اخیر بسیاری از خانه های ده نوسازی شده است و در خانه های جدید دیگر چنین مشکلی وجود ندارد.

دختران ده بیشتر به مدرسه رفتن تمایل دارند تا قالی بافی. این از گفتگوهایی که با چند نفر از آنها داشتم برمی آمد. درس خواندن و بعد معلم یا کارمند شدن، نهایت آمالشان است. یکی از دختران ده که تحصیلات دوره دبیرستان را تمام کرده و به عنوان سپاهی مأمور خدمت در همین ده شده است، حتی حاضر نبود مادرش را که بهترین قالی باف ده است به این عنوان معرفی کند.

مزد کافی نمی بردازند با کمبود کارگر مواجهند. و این سبب دیگری است بر اینکه قالی بافی هنوز نتوانسته است از صورت يك فعاليت توليدي خود مصرف خارج شود و در تأمین معاش مردم سغد نقش عمده پیدا کند.

اندازه قالی ها بیشتر ۲×۳ و ۱٫۵×۲ متر است. نقشه هایی که بافته می شود عبارتند از: گل بی زمينه، گل موسی خانی، گل اسفندقه ای (گل سرخ)، زابلی و نقشه تپه ای. نقشه کارشان معمولا يك تکه قالی است که از روی آن می بافند. رنگهایی که در قالی ها به کار می رود، گلی، عنابی، مشکی، سبز، سرخابی، آبی، آبی آسمانی (کچل آبی)، کاهی (نوعی نارنجی)، نخودی و قهوه ای و سفید است.

نخهای پشمی رنگی را که نقش و نگار و زمينه قالی با آن بافته می شود «ریس - Ris» می نامند. «ریس» را خودشان از پشم گوسفندانشان می ریسند و برای رنگ کردن به کارگاههای رنگرزی کرمان می برند. در گذشته ریس ها را با گیاهان رنگی و در ده رنگ می کرده اند.

روش رنگ کردن ریس با رنگهای گیاهی به گفته یکی از قالی بافان قدیمی ده، چنین بوده است: برای رنگ عنابی (اندابی - Endâbi) ریشه گیاه روناس را با دست آس آرد می کنند. آرد آن را از يك پارچه نازک به نام «خاسه - Xase» می گذرانند، یا الک می کنند. بعد با زاغ کوبیده و ترشی و پوست سبز گردو مخلوط می کنند و روی آن آب می ریزند و به هم می مالند و يك شبانه روز کلافریس را در آن می جوشانند، تا رنگ عنابی به خود بگیرد. در مورد رنگ گلی هم همین کار را می کنند، با این فرق که به جای ترشی برگ بیدار آن به کار می برند. برای درست کردن رنگ کاهی از روناس، زردچوبه، برگ بید و زاغ استفاده می کنند.

رنگهای گیاهی ثابت است ولی درخشندگی رنگهای جوهری را ندارد. تهیه آن هم مشکلتر از رنگ جوهری است، از اینرو امروزه دیگر از این رنگها استفاده نمی شود. نخهای تار قالی را که «ت نی - Töney» می نامند، پنبه ای است و نخ «پود» از پنبه و کرک درست می شود.

مجموع مواد لازم برای بافتن يك قالی ۲×۳ متر عبارت است از شش کیلو نخ تار، هشت کیلو نخ پود و بیست و چهار کیلو ریس. قیمت نخ تار کیلویی بیست و هفت تومان. و ریس و نخ پود کیلویی چهل تومان است. البته ریس را چنانکه گفته شد خودشان از پشم گوسفندانشان می ریسند و برای هر کیلوی آن دوازده تومان پول رنگرزی می دهند. بنابراین جمع مخارج مواد لازم برای بافتن يك قالی ۲×۳ متر در حدود هزار و چهارصد تا هزار و پانصد تومان می شود و در حدود ششصد تومان هم مزد بافندگان آن است. مخارج خوراک کارگران نیز در حدود سیصد چهارصد تومان می شود. با این حساب يك قالی ۲×۳



دو نفر از زنان قالی باف «سغد»

می خرد. وقتی به کار مسلط شدند، روزانه پنج شش تومان مزد می گیرند و بازم خوارکشان را مهمان صاحب دستگاه قالی بافی می باشند.

گاهی هم قرارداد می بندند و مزدشان را پس از بافته شدن قالی، یکجا دریافت می کنند. مزد بافتن يك قالی ۲×۳ متر در حدود ششصد تومان است و مخارج خوراک کارگران هم به این مبلغ اضافه می شود. بافتن چنین قالی ای با دو سه نفر کارگر بیش از دو ماه طول می کشد.

بطور کلی مزد قالی بافی در سغد بسیار کم است. و همین پایین بودن میزان دستمزد موجب شده است که قالی بافان بیشتر برای خودشان قالی ببافند و کارگری نکنند. در نتیجه خانواده هایی که بینه مالی برای دایر کردن دستگاه قالی بافی دارند، چون



خوجین قالی با نقش گل سرخ اسفندقه‌ای

متری، برای صاحب دستگاه در حدود دو هزار و پانصد تومان تمام می‌شود. قیمت فروش چنین قالی‌ای به نسبت مرغوبیت آن در حدود چهار الی پنج هزار تومان است. یعنی در مدت دو ماه در حدود دو هزار تومان از این راه به صاحب دستگاه قالی‌بافی سود می‌رسد.

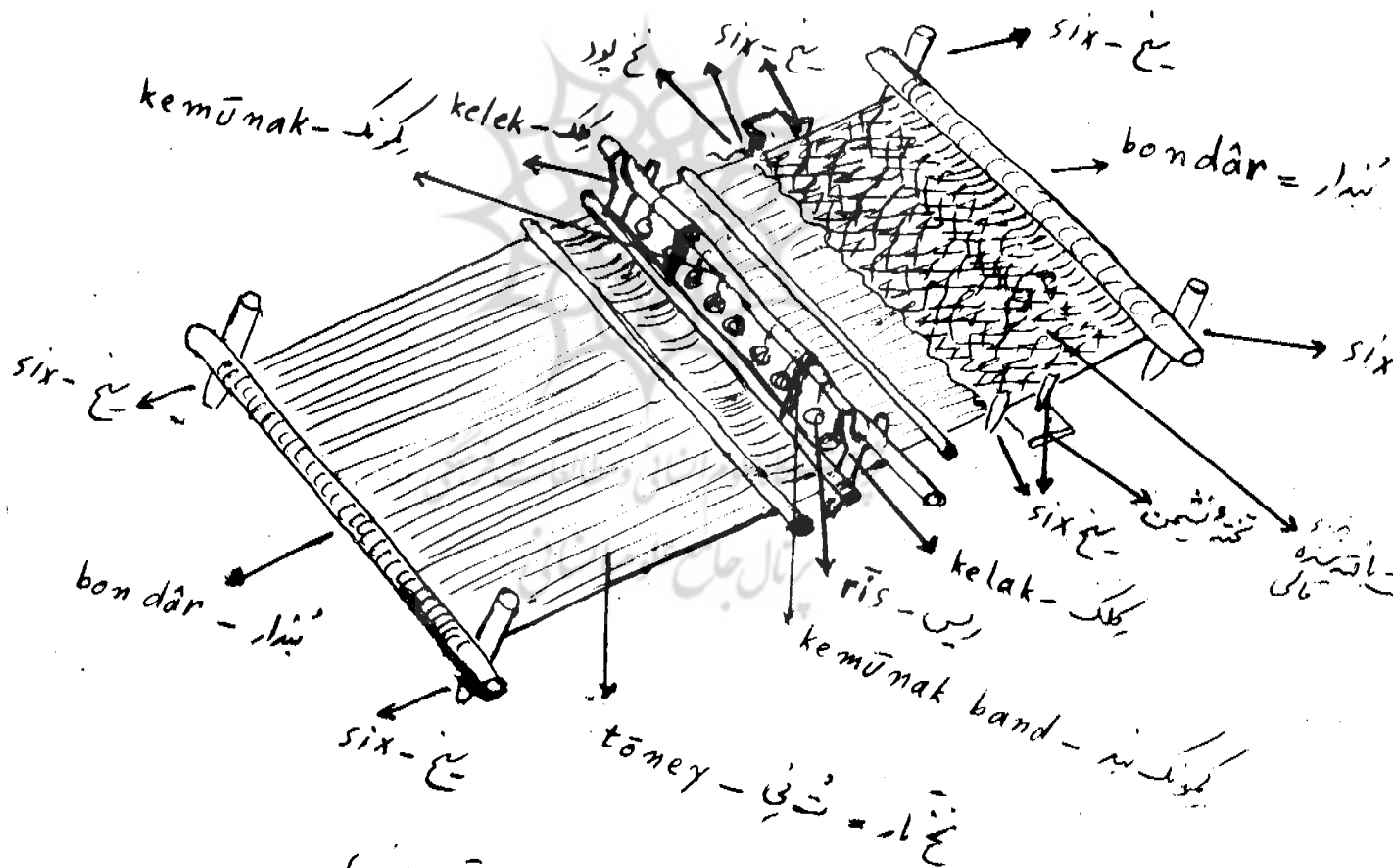
بطور کلی طی سالهای اخیر با پائین آمدن میزان تولید کشاورزی و دامداری (به علت‌های متعدد از جمله کمبود کارگر و کم‌آبی) در تعدادی از روستاهای کرمان (و نیز در برخی مناطق دیگر ایران) قالی‌بافی برای خانواده‌های کشاورز و دامدار به صورت یک معاش کمکی درآمد و توسعه پیدا کرد. از سویی بالا رفتن قیمت قالی در بازار و هجوم سرمایه‌های تاجران فرش به روستاها، برای استفاده از نیروی ارزان کار بافندگان روستایی، به رونق کار قالی‌بافی افزود.

به این ترتیب در برخی از روستاها قالی‌بافی به عنوان یکی از عمده‌ترین فعالیتهای تولیدی مردم، هم‌پراز کشاورزی

و دامداری قرار گرفت و حتی در بعضی از دهات ممر اصلی معاش مردم شد.

در ده «سغدر» نیز قالی بافی می‌رفت تا چنین سرنوشتی پیدا کند. اما قبل از آنکه بتواند به چنین رونقی برسد، کارگری در شرکت‌های راه‌سازی، و ساختمانی در اطراف سغدر و در شهرهای نزدیک به آن، خلاء کمبود درآمد خانواده‌ها را پر کردند. و با وجود موانع و عوامل بازدارنده دیگری که قبلاً ذکر شد، قالی بافی در «سغدر» هرچند از رونق مختصری برخوردار شد اما نتوانست در حد یک فعالیت تولیدی جدی و درجه اول و ممر عمده معاش مردم ده قرار بگیرد.

طرح يك دستگاه لوافي (قالی بافی)



طرح دستگاه لوافي (قالی بافی)